روایت هایی از ۸ سال حماسه

دفاع عاشقانه

اسدی

آن روزها ماندن بی معنا بود. شهادت، شاهراهی به وسعت افق داشت، فاصله خاک تا افلاک و کویر تا بهشت. خاکریزها، بوی بهشتِ مردان و زنانی را گرفته بود که تن به جهاد و دفاع می سپردند تا مبادا وجبی از کیان دین و وطن، به دست کفتاران حریص و متجاوز بیفتد زیرا دفاع مقدس، رساترین واژه در قاموس ایستادگی این ملت قهرمان است. مردان این دیار در پی تجاوز کفتار صفتان، مسیر آزادگی را پیمودند و حماسه آفریدند.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح قبلی و هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی، جنگی تمام عیار را علیه ایران آغاز کرد. صدام حسین رئیس جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین های تلویزیون با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران را اعلام کرد. در این تاریخ جنگی نابرابر آغاز شد و مردان غیور این تجاوز را تاب نیاوردند و برای دفاع از وطن قدم به جبهه های حق علیه باطل گذاشتند. امروز ۳۱ شهریور سالروز شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، به عنوان آغاز هفته دفاع مقدس نام گذاری شده است از این رو در این گزارش با چند تن از راویان این واقعه بزرگ همگام شده ایم تا خاطرات آن روزها را تازه کنیم، آنچه می خوانید حکایت ۸ سال حماسه است.

سردار شهید «اسدا... اسعدی» از شهدای ۸ سال دفاع مقدس استان است که در سال ۶۳ در عملیات بدر در جزیره مجنون به درجه رفیع شهادت نائل شد. در سال ۶۴ به خاطر پیدا نشدن پیکر پاکش او را به صورت نمادین تشییع کردند و در زادگاهش(روستای توت) به خاک سپردند اما در سال ۷۸ با شناسایی و تفحص پیکر این شهید تشییع و در بجنورد به خاک سپرده شد. کتابی از خاطرات این شهید بزرگوار با عنوان «از توت تا مجنون» به چاپ رسیده است که بخشی از آن را با هم مرور می کنیم.

سرهنگ «مسلم اسعدی» برادر این شهید در بخشی از این کتاب می گوید: در سال ۶۱ برای اسدا... ماموریتی پیش آمد و قرار شد به شهر مقدس مشهد برود، اسدا... به همراه تعدادی از همکارانش برای انجام این ماموریت آماده شدند. در آن دوران به خاطر مسائل امنیتی، موضوع ماموریت را اعلام نمی کردند، اسدا... به همراه همکارانش به طرف مشهد حرکت کردند، آن ها در مسیر راه با یک کامیون تصادف می کنند و اسدا... زخمی و به مشهد منتقل و بیهوش می شود و به کما می رود و دکتر می گوید این برادر هم تمام کرده او را به سردخانه ببرید.

به اصرار شهید رضایی همراه اسدا... او را به سردخانه نمی برند و او روی تخت می ماند در شیفت کاری بعد با تعویض پزشک شهید رضایی از دکتر خواهش می کند دوباره اسدا... را معاینه کنند در عین ناباوری در می یابند که او زنده است و تحت درمان قرار می گیرد. در این حادثه این شهید ۱۵ روز در کما به سر می برد و از ناحیه سر و پا به شدت آسیب می بینند. با این که جراحت پاهایش کاملا خوب نشده بود در سال ۶۳ به جبهه اعزام شد. با این که بارها از او خواهش کردند به جبهه نرود اما او می گفت خواب شهادت را دیده ام باید بروم تا خوابم تعبیر شود.

دختر این شهید بزرگوار نیز می گوید: وقتی خبر مفقودالاثر شدن پدرم را به ما دادند من دوسال بیشتر نداشتم، هیچ کس به طور قطعی خبر شهادت پدرم را تایید نمی کرد و این بی خبری ۱۳ سال طول کشید. پس از ۱۳ سال بالاخره زمان وصال و دیدار فرا رسید.

وی ادامه می دهد: پدرم می آمد ولی حیف که از او فقط چند استخوان باقی مانده بود، وقتی چشم ام به تابوت پیچیده در پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران خورد، ناگهان دلم پر از اندوه شد و بغض ام ترکید.

سرهنگ «امیری» که خود در طول ۸ سال دفاع مقدس حضور داشته روایتی دقیق از ۸ سال دفاع مقدس دارد و می گوید: در ۳۱ شهریور سال ۵۹، دشمنان از جمله آمریکا، شوروی و ۱۸۰ کشور دنیا که احساس می کردند جمهوری اسلامی ایران کشوری مستقل شده است، با هم متحد و با عراق همراه شدند. در این تاریخ از زمین و آسمان و دریا جنگی را به کشور تحمیل کردند و هزار و ۴۰۰ کیلومتر از خاک کشور و ۱۵ شهر را اشغال و ۶۰ روستا را با خاک یکسان کردند و تا پشت دروازه های اهواز با هدف جداسازی استان خوزستان، متوقف کردن انقلاب اسلامی، ژاندارم شدن صدام و جداسازی جزیره ابوموسی پیش رفتند.

> در ۳۱ شهریور سال ۵۹، دشمنان از جمله آمریکا، شوروی و ۱۸۰ کشور دنیا که احساس می کردند جمهوری اسلامی ایران کشوری مستقل شده است، با هم متحد و با عراق همراه شدند

> در این تاریخ از زمین و آسمان و دریا جنگی را به کشور تحمیل کردند و هزار و ۴۰۰ کیلومتر از خاک کشور و ۱۵ شهر را اشغال و ۶۰ روستا را با خاک یکسان کردند

وی با بیان این که دشمن با این اهداف خاک کشور را اشغال کرد و مستقر شد، اظهارمی کند: ۱۸ ماه از انقلاب اسلامی می گذشت، سران ارتش وابسته به غرب بودند و دیگر نیروهای نظامی نداشتیم بنابراین پس از استقرار دشمن ۸ تا ۹ ماه خاک کشور در اشغال دشمنان بعثی بود و مرتب شهرها را بمباران می کردند.

وی با بیان این که شوروی یک ناو هواپیمابر در خلیج فارس مستقر کرد تا هر نقطه از کشور را که اراده کردند بتوانند بمباران کنند، می افزاید: آمریکا نیز حمله به طبس را پیش کشید و کشتی های ایرانی را در آب های خلیج فارس هدف قرار می داد و به این طریق تلاش کردند انقلاب را متوقف کنند.وی اضافه می کند: پس از ۸ ماه از انقلاب امام خمینی (ره) به قوای مسلح دستور داد که از حالت تدافعی خارج و وارد حالت تهاجمی شوند و پس از این دستور فرماندهان علی رغم کمبود نیرو حمله را طراحی کردند و اولین عملیات ثامن الائمه آغاز شد.

وی ادامه می دهد: عملیات ثامن الائمه با هدف شکسته شدن حصر آبادان و آزادی بخشی از خاک ایران آغاز شد و عملیات های بعدی شامل طریق القدس، فتح المبین ، بیت المقدس، خیبر، بدر و غیره زنجیروار در طول ۸ سال انجام شد.

وی با بیان این که در سال ۶۱ در عملیات رمضان با هدف انهدام دشمن و کاهش آتش او از خاک کشور وارد خاک عراق شدیم، اعلام می کند: با این عملیات آتش دشمن کاهش پیدا کرد اما هنوز ۴ تا ۵ هزار کیلومتر از خاک کشور در تصرف دشمن بود.

وی با اشاره به این که عملیات ها ادامه پیدا کرد تا این که در سال ۶۵ همه خاک اشغال شده آزاد شد، خاطرنشان کرد: از شرق سلیمانیه با هدف تصرف این استان، وارد خاک عراق شدیم تا این که در سال ۶۷ دستور پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی شورای امنیت صادر شد.

وی با بیان این که این قطعنامه دارای بندهایی بود، ادامه می دهد: بازگشت همه نیروهای نظامی از مرزها و مبادله اسرای جنگی از بندهای این قطعنامه بود. در آن زمان ۳۵ هزار اسیر ایرانی در عراق وجود داشت اما ۴۵ هزار اسیر عراقی در ایران بود بنابراین پس از پذیرش قطعنامه دشمن بعثی به خرمشهر، هویزه و سوسنگرد حمله کرد و بسیاری را به اسارت گرفت.

وی با بیان این که دشمن به این نیز اکتفا نکرد و ۵ هزار نفر از منافقان در غرب کشور را تجهیز کرد تا کرمانشاه را تصرف کنند و به تهران برسند، اضافه می کند: رزمندگان در عملیات مرصاد بخش عظیمی از منافقان را به هلاکت رساندند و دشمن نتوانست حتی یک وجب از خاک کشور را تصرف کند.

وی با گرامی داشت یاد و خاطره شهدای ۸ سال دفاع مقدس اظهارمی کند: ۳۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در این جنگ به طرق مختلف جنگیدند از استان خراسان شمالی نیز ۳۷ هزار نفر در جبهه های جنگ حق علیه باطل شرکت کردند و ۳ هزار نفر از آن ها به مقام شامخ شهادت رسیدند.وی به این نکته مهم نیز اشاره می کند که ۳ هزار شهید استان کسانی هستند که در مصاف با دشمن به شهادت رسیده اند، خراسان شمالی دورترین نقطه به منطقه جنگی بود ولی نسبت به جمعیت‌اش دارای بیشترین شهید است.فرزند رزمنده «عظیم قاسمی» نیز درباره این رزمنده می گوید: پدرم در عملیات های متعددی حضور داشت اما بزرگ‌ترین و مهم ترین عملیاتی که در آن شرکت کرد کربلای ۵ بود. در این عملیات پدرم مورد هدف خمپاره ای قرار می گیرد اما خمپاره به دیوار می خورد و ترکش آن یقه پیراهن او را می شکافد، ترکشی که به یادگار تا سال ها پس از جنگ با این بزرگوار همراه بود.

وی به روایت از پدرش اظهارمی کند: پس از فتح خرمشهر، تسلط بر شلمچه به عنوان یکی از معابر وصولی شهر بصره، در زمره اهداف قوای نظامی ایران قرار گرفت و عملیات کربلای ۵ بهترین موقعیت برای عملی ساختن این ایده بود. نیروها سریع از سیل بند و مواضع دشمن در شرق «کانال ماهی» پیشروی کردند پس از عبور از کانال دشمن را غافلگیر کردند.

وی ادامه می دهد: پدرم همیشه از مقاومت همرزمان خود در این عملیات می گفت، در مجموع مقاومت و ایستادگی نیروها زیر آتش شدید دشمن، با وجود کمبود مهمات و بسته شدن چند راه تدارکاتی و کمک رسانی، بی‌نظیر بود و بسیاری از مردان غیور در این عملیات به شهادت رسیدند.

یادداشت

شهادت؛ طریق مردان خدا

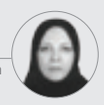

فروزان بهروز
f.behroz@khorasannews.com

بعد از شما ما مانده ایم و یک رسالت ناتمام؛ ما مانده ایم و یک دنیا حرفی که شما گفتید و می خواستیم سینه به سینه به دیگران برسانیم اما نشد.

شما حسینی شدید و با غرور و سربلندی رفتید اما ما اکنون مانده ایم که چگونه زینب وار این پلاک های سنگین را به وراث شان برسانیم. این روزها روزهای غربت لاله هاست؛ روزهای سردرگمی که روزمرگی های ما را تعریف می کند و خیلی ها مانند من از خود می پرسند راستی بعد از شما چه کردیم؟

آیا سلاح های برزمین مانده را برداشتیم یا وصیت نامه های خاک گرفته را خواندیم؟ آیا گفتیم آفرین بر این همه ایثار و شهادت؟آیا وقتی پرسیدند چرا جنگ؟ گفتیم زیرا عشق، شلمچه، به دلیل هویزه و خرمشهر و به خاطر وطن؟

آیا گفتیم که به خاطر سوسنگرد و دزفول و خوزستان این پاره های تن ایران؟ کجا رفتند کجا هستیم و کجا می رویم؟

۸ سال دفاع مقدس حماسه عشق است حماسه مردان بی ادعایی که رفتند و از میز و صندلی، خانه و خانواده و راحتی خود گذشتند. رفتند بی آن که بر سر دیگران منت بگذارند و خیلی ها پرکشیدند، بسیاری به اسارت در آمدند و درد اسیری را به جان خریدند و برخی شیمیایی شدند و جانباخته برگشتند. سخن گفتن از ۸ سال حماسه دفاع مقدس آن هم در عصر و دوره ای که همه می گویند و می پرسند چرا نیاز به مردان و زنان و زینب هایی دارد که با عمق جان شان این حماسه را درک کرده اند تا در محضر جهانیان دلاورانه بایستند و بگویند ما جنگیدیم تا ظلم بر ما سیطره پیدا نکند تا وطن ما آزاد باشد و جنگیدیم تا راه سرخ شهادت هموار شود و فریاد بزنیم که فرهنگ ایثار و شهادت هنوز هم بازار دارد و اگر شهدا رفتند ما هستیم تا بر حقانیت راه شان شهادت دهیم که شهادت طریق مردان خداست.